

نقش برجسته ها و مجسمه های هند باستان در هنر پیش از آریایی و بعد از آریایی

عفت بستار

کارشناس ارشد پژوهش هنر
Manangel67@yahoo.com

چکیده

هنر و تمدن هند را با قدمتی ۶۰۰۰ ساله، باید در اساطیر دینی و خدایان آنها جستجو کرد. به این منظور ابتدا به زندگی و تمدن اقوام اولیه ساکن در شبه قاره پرلخته می شود که در مکتب تاریخی با عنوان دراویدی از آنها یاد شده است. آنان خالق تمدن درخشان در دره رود سند و شهرهای بزرگ هاراپا و موهنجودارو بوده اند و با اعتقالات و ادیان طبیعت پرستانه یکی از خاستگاههای مهم و بارز خدایان و کیشهای بعدی هند می باشند.

هجوم آریاییها در اواسط هزاره دوم ق.م از سمت شمال غرب به شبه قاره صورت گرفت و بعد از درگیریهای با اقوام بومی و مهاجمان جدید در آن سرزمین مستقر و ساکن شده و عصر ودایی به تدریج آغاز می شود که باعث تغییر و دگرگونیهای در تمدن و هنر آن سرزمین می شود در طی این دوران رزم نامه ها و حماسه سراییهای مکتوبی مانند رامایانا و مهاباراتا را می آفرینند نقش برجسته های زیادی در دل کوهها و غارها و معابد از خدایان و رزمهای آنان حک می کنند و در ساختار اجتماعی نیز تحولاتی صورت می گیرد به طوری که سه نظام طبقاتی - اجتماعی برهمنان، کشاتریا و وایشیا پدید می آید که انعکاسی از تثلیث خدایان در عصر ودایی « خدایان آسمانی - خدایان جوی - خدایان زمینی » و همینطور در عصر برهمنی « برهما - ویشنو - شیوا » می باشد.

از آنجا که هنر هند باستان چه قبل از آریایی و چه بعد از آریایی به زندگی و نزول خدایان در زمین پرلخته است لذا برای تجزیه و تحلیل هنر آن نیز باید به ادیان و تفکرات و اعتقالات آن اعصار پرلخته شود که این موارد با آثار تصویری تطبیق داده شده است. هر چند هنر هند باستان تحت تاثیر هنر بین النهرین، ایران، یونان و روم بوده است ولی دارای ویژگیهای خاص و منحصر به فرد می باشد از جمله اینکه با وجود کاملاً جسمانی و مادی بودن از تفکری ماورایی در قالب نمادین و اسطوره ای، آثاری پویا و پرتحرک را آفریده اند.

کلیدواژه

اساطیر، دراویدی، تمدن، ودایی، تثلیث، نقش برجسته، برهما، ویشنو، شیوا

مقدمه

«اقوام اولیه شبه قاره هند به نام دراویان که در دره رود سند و شهرهای بزرگی چون هاراپا و موهنجودارو دارای تمدنی درخشان بودند و از تمدن آنان آثار هنری مانند مهرهای سنگی با تکنیک نقش برجسته و مجسمه های سفالی و سنگی در اندازه های مختلف کشف گردیده است.

این اقوام بومی خدایان و ادیان طبیعت پرستانه ای داشته اند که خاستگاه و منشا اصلی خدایان در کیشهای بعدی هند باستان می باشند.

با مهاجرت و هجوم آریاییها در هزاره دوم پیش از

میلاد به شبه قاره که توام با جنگ و درگیریهای بسیار متعددی بود؛ به مرور زمان این مهاجمان با اقوام بومی به سازش رسیده و دوره ای جدید یعنی عصر ودایی که بر هنر و تمدن شبه قاره تاثیر بسزایی می نهد آغاز می شود و متون دینی مانند وداها و حماسی مانند رامایانا و مهاباراتا موضوع و اساس آثار هنری قرار می گیرد. به طوری که در آثار هنری به زندگی خدایان اساطیری که به زمین نزول کرده اند و نبرد آنها با اهریمنان پرداخته شده است و این مینا در عصر برهمنی که تثلیث هندو و نظام کاستی در جامعه شکل می گیرد نیز مورد استفاده قرار می گیرد. به طوری که هنر این اعصار هنری نمادین و اساطیری از زندگی خدایان که به

صورتی واقع گرایانه به نمایش درآورده است. سر و گردن با خطوطی تزیین شده و درست در زیر سر و گردنش مجمری قرار گرفته است که آن هم دارای خطوط تزیینی می باشد. روی سر گاو نر یک گوش و یک شاخ مانند چشم او از روبرو کشیده شده است که شاخ آن مانند یک خط راهنما یا فلش، دید را به سوی علائم نوشتاری هدایت می کند و در یک لحظه تمام نقوش کادر یعنی گاو و مجمر و علائم نوشتاری دیده می شود که حاکی از یک ترکیب بندی مناسب فرم و رنگ در ارتباط با کادر است. این تصویر یعنی گاو نر ایستاده در برابر یک مجمر از رایج ترین نمادهای استفاده شده در تمدن دره سند و احتمالاً در پیوند با دین ایرانی است.» (x)



تصویر ۱: گاو و مجمر، موهنجودارو هزاره ی دوم پ م

از آنجا که اقوام دراویدی مردمی کشاورز بودند، خدایانی را نیایش میکردند که به گونه‌ای با باروری و حاصلخیزی پیوند داشت. در این کیش دو عنصر اساسی مورد توجه قرار می گرفت: نخست نیایش آلت تناسلی^۲ (زینگی)، دوم کیش توجه به خدا بانوی مادر که نمونه هایی از آثار آنها در مهرهای یافته شده در هاراپا دیده میشود.» (تصویر ۲) (ایونس؛ ۱۳۷۳، ص ۱۳)

«در این تصویر خدای چهارپایان با سه چهره به حالت چهارزانو (یوگا) نشسته و تاجی از شاخ گاو یا نماد جهانی بارورسازی را بر سر دارد و اطراف او را

صورت جسمانی بر زمین فرود آمده و زندگی زمینی - انسانی را برگزیده اند؛ می باشد.» (برگرفته از ناس؛ ۱۳۷۳)

در این مقاله در ابتدا به بررسی و تجزیه و تحلیل نقوش برجسته و مجسمه های هند باستان در هنر پیش از آریایی پرداخته شده، سپس هنر بعد از آریایی در دو عصر ودایی و برهمنی با توجه به مسائل اجتماعی و تاریخی نمادشناسی شده است. که توجه به این بررسیها به طور کلی می توان گفت هنر هند باستان در دوره های قید شده به صورت نمادین و اسطوره‌ای با تفکری ماورایی به خلق آثاری دست یافته که از تحرک و پویایی زیادی برخوردار است.

هنر پیش از آریایی

هنر و تمدن هند را با قدمتی ۶۰۰۰ ساله باید در اساطیر دینی و خدایان آنها جستجو کرد. به این منظور ابتدا به زندگی و تمدن اقوام و مردمان اولیه ساکن شبه قاره پرداخته می شود که در مکتب تاریخی با عنوان «دراویدی»^۱ از آنها یاد شده است. در این مورد در کتاب «تاریخ جامع ادیان» آمده است: «پیش از ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد، سکنه هند مردمی سیاه چرده با موهای مجعد بوده اند که اعقاب ایشان به نام دراویدیان هم اکنون در نیمه جنوبی شبه قاره فراوانند.» (ناس، ۱۳۷۲، ص ۱۳۱)

«دراویدیان خالق تمدن درخشانی بودند که در دره رود سند و شهرهای بزرگ هاراپا و موهنجودارو شکل گرفت از این تمدن تا به حال آثار نوشته شده ای یافت نشده است اما بقایای باستانی این دو شهر از کیش دراویدی که خاستگاه خدایان و کیشهای بعدی هند است سخن می گوید. خاستگاه خدایان پیش آریایی هند به احتمال زیاد در بین النهرین و ادیان ایرانی قرار داشت و احیاء آنان یکی از دلایل افول خدایان آریایی است.» (ایونس، ۱۳۷۳، ص ۱۴) (تصویر ۱)

«در این تصویر گاوتری (ورزاو) ایستاده که در قسمتهایی از بدن و پاهای آن با رنگ تیره به خوبی حجم پردازی شده است و شکل حیوان را به

اند؛ این جانوران نیز بعدها نماد شیوا شدند.»
(گاردنر، ۱۳۷۰، ص ۶۸۳)

در هنر هند باستان پیش از آریایی علاوه بر نقوش برجسته ای که بر لوحه های سنگی حک شده اند آثاری از پیکر تراشی نیز به جا مانده است به طوریکه: «نخستین فرهنگ بزرگ هند، در هزاره سوم پیش از میلاد در اطراف بخش علیای دره رود سند متمرکز شده بود. موهنجودارو و هاراپا در پاکستان امروزی از مناطق اصلی گسترش این فرهنگ بودند، اخیراً مراکز مهم دیگری از این فرهنگ در کالیبانگان واقع در راجستان هند، و در نزدیکی کراچی در پاکستان کشف شده است. برخی از تندیسهای به دست آمده از این تمدن متعلق به دره رود سند باستانی از تأثیرات تمدن بین النهرین را دارند و برخی دیگر حاکی از سنت هندی کاملاً پیشرفته‌ای در پیکرتراشی می‌باشند. نمونه تندیسهای اخیر، پیکر نیم تنه‌ای از هاراپا است.» (گاردنر، ۱۳۷۰، ص ۶۸۲) (تصویر ۳)



رسوبه سفالی فدیبه یا فدیبه که تاریخ آن به ۱۵۰۰ سال پیش

تصویر ۳: خدا بلوی باروری، از ماتوره ۱۵۰۰ پهم موزه ویکتوریا و آلبرت

«در این تصویر نیم تنه سفالی فدیبه یا طلسم جلب حمایت خدایانوی باروری را مشاهده می‌کنیم با چشمانی کشیده و درشت (مانند هنر بین النهرین) بصورت واقع گرایانه با کلاه یا موی جمع شده

نقوش حیواناتی مانند غزال، فیل، کرگدن، گاو و شیر احاطه کرده اند و علائم نوشتاری نیز در قسمت بالای مهر حک شده است. این خدایی که با حالت مراقبه نشسته، کلاهی از شاخ ورزاو (گاو نر) بر سردارد با دستانی در طرفین که هر کدام به وسیله سه حلقه بزرگ از بالا تنه تا مچ به سه قسمت تقسیم شده است و بالا تنه ی آن با خطوط مورب به شکل مثلثی که راس آن در پایین قرار گرفته حکاکی شده است. این فرم مثلث در طرفین از دستها به طرف نوک تاج نیز تشکیل شده است، تثلیث در عقاید و هنر هندیان از دیرباز تاکنون وجود داشته است.» (x)



تصویر ۲: خدای یوگا مهر سنگی از آثار موهنجودارو در ۲۰۰۰ پیش از میلاد و ابعاد آن ۲/۵ سانتی متر است. موزه ملی پاکستان کراچی.

«نقوش حیوانات و علائم نوشتاری حک شده در اطراف این خدا نیز جنبه نمادین دارند؛ چنانچه گاو و شیر بعدها نمادهای شیوا و بودا می شوند. خدای یوگا یکی از خدایان منحصر به فردی است که در آیین و عقاید عصرهای بعدی نیز با اسامی مختلف ظاهر می شود. چنانچه «هلن گاردنر» در کتابش آورده است که: «روی یک مهر، یک پیکره نشسته سه سر، با حالتی ظاهر می‌شود که بعدها معلوم می شود حالت یوگا است. بالای سرها یک نیزه سه شاخه دیده می شود که دو هزار سال بعد به نشانه ای در «تثلیث بودایی و شیوا» خدای بزرگ آیین هندو مورد استفاده قرار می‌گیرد، دور تا دور این خدا را جانوران گوناگون از جمله گاو و شیر گرفته

اعتقاد به خدا نیز در این ادیان، با باورهای رایج از خالق، سازگار نیست. بهترین منابعی که ما را از چگونگی اعتقادات دینی شبه قاره در ادوار قدیم آگاه می سازد، متن وداها، خصوصاً کتاب مقدس ریگ ودا^۵ ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ قبل از میلاد است. ادیان هند از پرستش طبیعت و قوای طبیعی آغاز گشته و رفته رفته با نفوذ تفکرات فلسفی و منطقی راه تکامل پیموده و پس از سیر و گذر از مرحله اوپانیشادها و ودانتا به صورت علم الاساطیر متأخر هندو، که تفکر کنونی هند زاییده آن است درآمده است. در تعالیم ریگ ودا در مورد خدایان، بیشتر به اشتراک قدرت میان دو یا چند خدا (معبود) بر می خوریم و معمولاً هر خدا به مدح و ثنای خدای دیگر می پردازد. عظمت، قدرت، معرفت و حقیقت از صفات عمومی خدایان در ریگ ودا است. با توجه به این نکات و بر اساس کیهان شناسی ودایی که عالم را به اقلیم آسمان، فضای میانه، (جو میان زمین و آسمان) و زمین تقسیم نموده است. خدایان ودایی را نیز، علی رغم تردد گاه و بیگاه در اقلیم مجاور، می توان به:

الف. خدایان آسمانی

ب. خدایان جوی

ج. خدایان زمینی منقسم نمود.

این تقسیم بندی با نظام طبقاتی و اجتماعی برهمن، کشتاریا و وایشیا نیز انطباق دارد، بدین ترتیب که:

– خدایان آسمانی که در مقام اصل و حقیقت روحانی نظام کائنات هستند با طبقه بندی برهمن که قشر روحانی و موبدان جامعه می باشند، هم آهنگی دارند.

– خدایان جوی که نیروگاههای حاکم و قوای اجرایی قوانین هستند، با قشر کشتاریا (طبقه اشرافی و سلحشوران) هم سخی دارند.

– خدایان زمینی که ضامن وفور نعمات دنیوی هستند، با طبقه وایشیا (کشاورزان) منطبق اند.

نقش تثلیثی که در عقاید مذهبی هند باستان حاکم بوده است را در شکلگیری هنر آن نیز می توان

مجعد و یا سبد شکوفه بر بالای سر و در سمت چپ صورت نشان خدا بانوی باروری است.» (x)

هنر بعد از آریایی در عصر ودایی

اینک به بررسی هنر هند باستان بعد از هجوم آریاییها به شبه قاره می پردازیم و قبل از هر چیز تاریخچه مختصری از اوضاع اجتماعی آن عصر آورده می شود.

«در زمانی دیرین، یعنی در اواسط هزاره دوم ق.م، مردمی از ریشه و نژادی دیگر از دامان کوهها و سلسله جبال هندوکش گذشته و از طرف شمال غرب به داخل کشور هند سرازیر شده و سرانجام آن ملک را تسخیر کرده و بدان صورت و شکلی جدید داده اند. پیشاهنگ و طلیعه مهاجرین آریایی هند از یک طرف با سکنه تیره پوست بومی، یعنی دراویدیان، مشغول مجادله و تنازع بودند و از طرف دیگر در برابر امواج جدید مهاجمین آریایی نژاد، که از عقب پیش می آمده اند، مقاومت و نبرد می کردند. از اینرو پیکارها و جنگهای بسیار در بین آنها به وقوع می پیوست که همه در حماسه ها و رزم نامه های باستانی قوم هند و نامه رامایانا^۳ و مهاباراتا^۴ جاویدان مانده و ثبت و ضبط شده است. در این روزگار است که سواحل شعب هفتگانه سرچشمه های رود سند تحت استیلای این قوم درآمد و اندک اندک طبقات جدیدی در میان جامعه ایشان به ظهور رسید و بذر اولیه اصناف متمایز (کاستها) کاشته شد که هر صنفی کاری مستقل و شغلی جداگانه داشت. از ۱۷۰۰ پیش از میلاد فاتحان جدید تمدن دره سند را نابود و با خود دینی را به هند آوردند که نزدیک به هزار سال در این سرزمین دین غالب بود. آریاییان کوچ نشینانی بودند که برخلاف دراویدیان اسکان نیافته و هم بدین دلیل خدایان آنها کمتر با خاکی که روی آن زندگی می کردند پیوند داشتند. دانش ما از خدایان آریایی برگرفته شده از مجموعه سرودهای موسوم به وداها و آثاری است که در حدود ۸۰۰ پیش از میلاد تنظیم شد.» (ناس، ۱۲۷۳، ص ۱۲۳)

«دین و اصولاً تفکر دینی در هند با تلقی دین در فرهنگ ادیان سامی کاملاً متفاوت است و طبعاً

طبعاً حامی مبانی معنوی و اخلاقی نیز هست. در اوایل عهد ودایی، وارونا پادشاه جهان بود، او را سلطان آسمان پرستاره و نازل کننده باران می دانستند. با سپری شدن ایام، ایندرا خداوند رعد صفت نزول رحمت را از او گرفت و به خود اختصاص داد. رفته رفته وارونا به مقام خدای اقیانوس نزول کرد.

آریامن^{۱۱} و داکشا^{۱۲}

آریامن و داکشا در دومین مقوله خدایان اصلی آسمانی (گروهی) قرار می گیرند. آریامن معرف صفت جوانمردی و سلحشوری متعلق به عالم صغیر است. آریامن تنظیم کننده اجرای مناسک از جهت اجتماعی آن است، در حالی که داکشا به شیوه اجرای عملی و ابعاد سحر و جادوی آن نظارت دارد. معبر شاهانه آریامن راه شیری است.» (ذکرگو، ۱۳۷۷، ص ۴۱-۳۷)

داکشا تجلی توانایی کاهن یا ساحری است که مناسک و آیینهای دینی را به نحوی موثر برگزار نموده و ارتباط با خدایان را میسر می سازد. داکشا با عالم کبیر مرتبط است و نقطه مقابل آریامن به حساب می آید. آریامن تجسم مناسک اجتماعی، یعنی رابطه انسانها با یکدیگر است؛ در حالیکه داکشا راه و رسم پیچیده و سحرآمیز، یعنی هنر خلاقه‌ای است که مسیر ارتباط با خدایان است.

تواشتری و ساوتیری^{۱۳}

تواشتری که با عالم صغیر مرتبط است، مظهر صنعتگری و اسلحه سازی است، معبود مقابل او در عالم کبیر ساوتیری نام دارد که سمبل اسلحه سحرآمیز یا قدرت سحر کلام است. تواشتری تیری آهنی به همراه دارد آذرخشهای ایندرا توسط او ساخته می شوند. وی صنعتگری خوش سیما و با مهارت و عطا کننده برکت و طول عمر است.

پوشان^{۱۵} و ساکارا^{۱۶}

پوشان از خدایانی است که شخصیت و صفاتی گسترده دارد، ولی بیشتر با صفات رازق، حامی، حافظ رمه آراسته شده است. او اصل محافظ و حامی وادی عالم صغیر و جوامع انسانی است.

یافت. به طوری که ارتباط میان طبقات خدایان و طبقات اجتماعی انسانها تصادفی نیست، چرا که در این آیین نظام طبقات اجتماعی کاست^۶ از دید یک هندوی مومن، نظامی تکوینی و مبتنی بر راتا^۷ یا نظام کیهانی^۸ است.

لیکن رایج ترین قول در این باب مربوط به کتب برهمانا است که تعداد «آدی تیاها» را دوازده آورده است. که گردونه زمان را به گردش در می آورند و مفسرین دوازده آدی تیا را بر دوازده ماه سال منطبق دانسته اند.» (ذکرگو، ۱۳۷۷، ص ۳۱)

اینک به بررسی چند آدی تیا می پردازیم: «میترا از خدایان مهم ریگ ودا است که از هم پیمانان وارونا بود و نیز از کهنترین و اسرار آمیزترین خدایان آریایی است. معنای لفظی میترا که با ارتباط و اتصال و دوستی مرتبط است، از نقش اساسی او در وجود جوامع کوچک روستایی و در نتیجه، جامعه بزرگ جهانی حکایت دارد. او را خدای خورشید نیز دانسته اند. گرچه سوریا (خدای خورشید) به عنوان معبودی مجزا شناخته شده لیکن سوریا به عنوان یکی از نامهای او نیز ذکر شده است.» (ناس، ۱۳۷۳، ص ۱۲۹)

«میترا از خدایان آریایی است که پرستش او در ایران کهن نیز رواج داشته است. در ایران باستان نیز میترا خداوند عهد و پیمان دو جانبه و معاهده‌های میان دو ملت بوده است. او خدایی است که دوازده نشان منطقه البروج را سیر می کند و با کیهان شناسی یونانی نیز مربوط است. او را گاو یا قوچی توصیف کرده اند که در مراسم بازپیدایی خورشید هر ساله خود را قربانی می کند.»

وارونا^۹

از دیگر خدایان آسمانی ریگ ودا است و همواره در کنار میترا ظاهر شده است و لفظ s-Varuna را برخی با Uranus لاتین و اورانوس^{۱۰} یونانی معادل داشته اند. وارونا و میترا برپا نگهدارنده قوانین روحانی و فیزیکی جهان هستند و لذا بیش از هر خدای دیگر با نظام کیهانی راتا مرتبط می باشند. وارونا با قانون کیهانی ریتا مرتبط است،

قربانی‌هایی که به پیشگاهشان تقدیم می‌شده کسب می‌کردند و همین چشمه همیشه جوشان، که از طریق آتش الهی آگنی از زمین به آسمان صعود می‌کرده، همواره او را در تعالی برتر و قویتر از دیگر معبودین قرار می‌داد. سلاح برنده او «آذرخش» است و نزول باران به امر او صورت می‌گیرد، از اینرو است که او را خداوند تندر، خداوند پرتو و برق خداوند باران لقب داده‌اند. حاصلخیزی مراتع، رشد دانه‌ها و ثمردهی اشجار که حیات انسان به آنها وابسته است، همگی در گرو عنایات و الطاف و فرمان اوست. از این رو مردم همواره قربانیان به پیشگاه او تقدیم می‌کرده‌اند.» (ایونس، ۱۳۷۳؛ ص ۱۸)

«این‌درا از خدایانی است که پهلوانی و قدرت او، شخصیتی به او بخشیده که نسبت به خدایان دیگر، ویژگی ظاهری و فیزیکی انسانی^{۲۳} بیشتری دارد. او را در شمایلها، اغلب به صورت مردی با چهار بازو تصویر کرده‌اند؛ با دو دست نیزه ای را نگاه داشته، در دست سومش سلاح خاص او واجرا (آذرخش)، قرار دارد و دست چهارم او خالی است. این‌درا را گاهی با دو بازو تصویر می‌کنند، در حالی که کل جسم او با چشمان بیشمار پوشیده شده است، و در این حال او را هزار چشم^{۲۴} می‌نامند. گاهی نیز این‌درا در نقش جنگجویی سوار بر فیل عظیمی به نام آبرواتا^{۲۵} تصویر می‌شود و در حالیکه آذرخشی به دست راست و کمانی به دست چپ دارد.» (ذکرگو، ۱۳۷۷؛ ص ۱۵۴) (تصویر ۶)

آگنی

«خدای آتش یکی دیگر از خدایان بزرگ کهن رقیب این‌درا بود. آگنی نماد اخگر زندگانی و بنیاد زندگانی انسان و حیوانات، ماهیان و نیز گیاهان و درختان از اوست. فروکش کردن و دیگر بار شعله کشیدن آگنی نماد لزوم نوکردن آفرینش است و چنین است که او را همیشه جوان و به عنوان بنیادگذار شاعران آیین مراسم قربانی، کهنترین کاهنان می‌دانند. آگنی واسطه خدایان و انسان، پیامبر خدایان، انتقال‌دهنده قربانی‌هایی که مردمان به خدایان می‌دهند و وادارنده مردم به نیایش خدایان است.» (ایونس، ۱۳۷۷، ص ۲۱)

«در این تصویر اوشاس با اندامی موزون بر ستونی ایستاده است چهار دست دارد که در دستهای طرفین دو عصای مار کبری که یکی از آنها دو سر است و حلقه‌هایی این عصا مارها را تقسیم و تزئین کرده است. در دست دیگر غنچه‌ی نیلوفر آبی را گرفته و بر سر تاجی بلند که در طرفین آن گل و برگ گیاهی (نیلوفر) قرار دارد. دو گوشواره بزرگ و بلند از گل نیلوفرآبی بر گوش دارد ۳ گردنبند و ۳ رشته کمر بند هم دارد، بر دستان و پاهایش حلقه‌هایی تزئین شده است اندامش با شلوار و دامنی حریر پوشیده شده است که با ظرافت نقوشی بر آنها حک شده است. در کنار او در سطح پایینتر یک خدمه کننده کاری شده که کوچکتر است و بر اندام او به ویژه پایین تنه نقوشی برای شلوار حک شده است.» (x)



تصویر ۵: اوشاس، تدیس چوبی کروی از جنوب هند است بدون تاریخ

این‌درا

«خدای توفان و پدید آورنده رعد است. این‌درا از قدرتمندترین و محبوبترین خدایان ریگ ودا است. نام وی در بیش از ۲۵۰ سرود ریگ ودا آمده و لذا بیش از ۱/۴ سرودها به او اختصاص یافته است. به همراه سوری و آگنی قدرت بیکران خود را از طریق

سازند و بدانند که اشیاء از کجا آمده اند، به ناچار به تفکرات فیلسوفانه متوسل گشته‌اند. در این عصر است که تثلیث هندو به صورت برهما، ویشنو و شیوا شکل می‌گیرد و نظام اجتماعی کاستها نیز به صورت سه طبقه اجتماعی: برهمنان، سلحشوران و کشاورزان بر جامعه حاکم می‌شود. (ناس؛ ۱۳۷۳، ص ۱۴۳) (تصویر ۷)

برهما

«در فلسفه نظام هستی هند که مبتنی بر تثلیث (برهما، ویشنو و شیوا) است. در علم الاساطیر متأخر هند برهما خدای آفرینش، ویشنو خدای نگهدارنده و شیوا خدای نابود کننده است. برهما یا جهان آفرین تنها نقش آفرینش ابتدایی موجودات را دارد، ولی دوام حیات و اتصال اجزاء هستی که در لحظه به لحظه وجود جهان نیاز به اتکا و پناه دارد، وظیفه ویشنو است. پس با این وصف برهما چون معمار باز نشسته ای است که پس از خلق جهان و موجودات تحولات آن را به ویشنو واگذاشته است.



تصویر ۷: برهما نشسته از هند جنوبی قرن ۱۰ میلادی است.

برهما در سلسله مراتب خدایان هندو از احترامی برابر ویشنو و شیوا برخوردار است و او را خدای فرزادگی می‌دانند و می‌گویند که چهار ودا برخاسته از سرهای اوست و بهشت او برترین بهشت خدایان و زمین است. (ذکرگو، ۱۳۷۷، ص ۷۱)



تصویر ۶: ایندرا، نقش برجسته سنگی، از عهد اشوکا قرن دوم پیش از میلادی

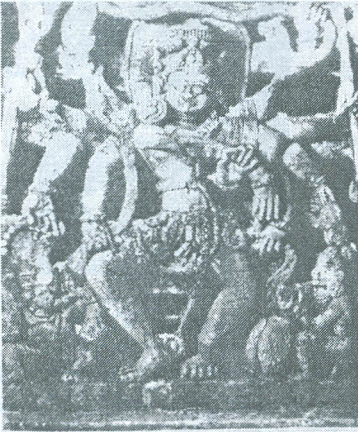
رودرا

«از خدایان جوی ریگ ودا است که نامش همواره در هاله‌ای از برافروختگی و غضب می‌درخشد. او خداوندی خونخوار و خشمگین است و حرکاتش چون طوفانی ناگهانی و بنیان کن، زمین را به نابودی می‌کشد. اوست که دستور حملات تب و بیماریها را صادر می‌کند و در عین حال شفا دهنده نیز هم اوست.» (ذکرگو، ۱۳۷۷، ص ۱۹۴)

هنر بعد از آریایی در عصر برهمنی

تغییر و تحولاتی بعد از استقرار کامل آریاییها در شبه قاره هند به وجود آمد که به تدریج منجر به شکافی در مذهب و فرهنگ ودایی شد که به طبع بر هنر آن نیز بی‌تأثیر نبوده است؛ که در این فصل با عنوان عصر برهمنی چگونگی این تغییر و تحولات و تأثیرش بر هنر شبه قاره مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد. چنانچه در کتاب «تاریخ جامع ادیان» آمده است: «اقوام قبائل باستانی هند و آریایی دارای مغزهای قوی و روشن بوده اند و مبادی تحقیق و استکشافات علمی را در جهات مختلف دانش به سبکی خوب و درست آغاز کرده‌اند. برهمنان در پایان دوره‌ی عصر ودایی، کم کم دارای افکار مترقی فلسفی شده بوده اند و از آنجا که می‌خواستند اصل پیرایش عالم را معلوم

گردنبند و کمربندی سه رشته ای بر کمر اوست. پایین تنه را با پوشش بافتدار پوشیده است. در سمت راست او سه کوتوله انسان - حیوان نقش شده است و در سمت دیگر او یک اندام انسان وار نشسته با بازو بند و مچ بند و کمربند دو گردنبند که گوشواره‌ای بزرگ از نیلوفر آبی بر گوش دارد و همه این علائم نشان از خدا بودن آن دارد که مشغول زدن دو طبل منقوش مقابلش می باشد.» (x)



تصویر ۸: رودرا شیوا نقش برجسته ی سنگی از معبد موکشور واقع در پهویا نیشوا (Bhubaneswar) هند قرن دهم میلادی.

۲۹ شیوا بهار اوا

شیوای ویرانگر در ضمن شیوای بارور کننده، آفریننده و نیکخواه است در این معنی کارهای ویرانگری او همانند آفرینندگی برهما است و گاه برهما فروتر از شیوا قرار می‌گیرد شیوا را مهاده^{۳۰} یا اشیواره^{۳۱} خدای بزرگ می‌شناسند و قدرت آفرینندگی او در نیایش لینگام یا فالوس مورد تکریم قرار می‌گیرد.» (ایونس؛ ۱۳۷۳، ص ۷۳) (تصویر ۹)

«در این تصویر شیوا در هیئت شیوا لینگام که مظهر باروری است با چهره آبی آرام با چشم سوم عمودی در وسط پیشانی و لبهایی کلفت و برجسته و گردنبندی با مهرهای درشت برگردن نقش شده است، موهایش در بالای سر به صورت تاجی بلند جمع شده که هلال ماهی در بالاترین طبقه آن جا

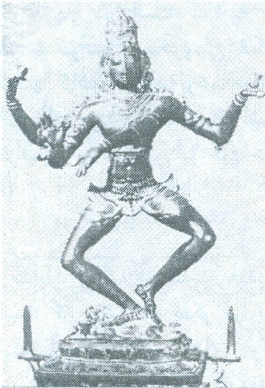
» در این تصویر شمایل سنگی برهما با چهره‌ای آرام بر روی تختی از گل نیلوفر آبی نشسته است. دارای چهار دست در طرفین است که بر هر یک از بازوها، مچ دستها و انگشتها سه حلقه نقش شده است. در دست سمت راست وسیله ای (مانند نیلوفر آبی) و در یک دست سمت چپ تسبیح نشان سلطنتی قرار دارد. بالاتنه برهنه است و سه گردنبند به گردن دارد که یکی از آنها که سه رشته‌ای از شانهِ و سینه چپ تا روی شکم آویخته شده است. سه رشته کمربند هم در کمر نقش شده است. دارای چهار سر است که سه سر آن با کلاهی بلند و مرصع و مخروطی شکل نمایان است بر گوشها گوشواره دارد. برهما عموماً با ۳ یا ۴ سر نمایش داده می‌شود که معرف اشراف او به جهات جغرافیایی و تسلطش بر کل عالم خلقت است.» (x)

۲۸ شیوا

«یکی از خدایان بزرگ در تثلیث هندو در عصر برهمنی است که ریشه در تفکر دراویدیان دارد یعنی برگرفته از خدای آنان خدای یوگا و رودرا خدای عصر وداها است به طوری که رودرا - شیوا خدای کهن ودایی خدای سرخ توفانها و آذرخش، خدایی دهشتبار و ساکن کوهستانها و خدای طبابت و دارو خدایی است که باید از خشم او دوری جست. شیوا با همراهی و میراث بردن از رودرای کهن مدعی بزرگ و خدای برتر بودن است.» (ایونس؛ ۱۳۷۳، ص ۷۲) (تصویر ۸)

«در این تصویر شمایل ایستاده رودرا - شیوا با دوازده بازو و چهره‌ای ترسناک و چشمانی بیرون زده با حرکتی موزون قرار دارد. بازوبندها و مچ بندهایی بر دستانش نقش شده است. مار کبرای بزرگی را که بدنی منقوش دار با دو دستش بر بالای سر نگه داشته در دستان سمت راست او نیزه سه شاخه، یک حلقه یا دایره ای از گل و مار و در دستان چپش چوبدستی، صدف قرار دارد و دو گوشواره بزرگ نیلوفر آبی به گوش و تاجی بلند که جواهری درشت در وسط آن است بر سردارد. پشت سرش یک دایره (یا چتر) و ادامه ماری که در دست راستش است، قرار گرفته است. برگردنش

بازو دارد که بر دو دست آن دو ابزار طبل، حلزون بر آنهاست که بر انگشتان و میچ و بازوها حلقه هایی آذین شده است. حالت دستها با حرکت ریتمیک پاها هماهنگ است. بر شانه هایش نقوش برجسته ای قرار دارد که از موهایش می باشد. تاجی بلند با نقوش برجسته بر سر و دو گوشواره از نیلوفر آبی بر گوش دارد. سه گردنبد خدایی بر گردن آویخته دارد که یکی از آنها تا پایین سینه امتداد دارد کمربندی بر بالای کمرش با نقوش بزرگ نقش شده است.



تصویر ۱۰: شیوانتراج، بلندی این تندیس ۷۲/۵ سانتی متر از جنس مفرغ، قرن ۱۰ و ۹ میلادی هند جنوبی

در پایین تنه پوششی دارد منقوش که با حرکت پای او آویزهای این پوشش نیز حرکت دارد و به صورت فرم خنجر مانند از دو سوی ران به صورت قرینه به طرف بالا نقش شده است (ادامه تن پوشش) بر دو میچ پا دو حلقه با گویهایی آویزان است و حلقه های انگشتری نیز بر پا دارد. در دو سوی تختی که او ایستاده بر آن است دو شیوا - لینگام به صورت قرینه دارد. (x)

ویشنو

در فلسفه نظام هستی هندو که مبتنی بر تثلیث است، ویشنو مهمترین رکن این تثلیث به شمار می رود. ویشنو از خدایان اصلی ریگ ودا (۱۲۰۰ تا ۱۰۰۰ قبل از میلاد) قدیمی ترین سند مذهبی هندو است.

ویشنو نیروی اتصال اجزاء عالم است، هر یک از اجزا هستی بدون وجود دیگری قابل ادراک بلکه

دارد و رشته موهای تابدار از دو طرف سرش تا روی گردن آویخته شده است. (x)



تصویر ۹: شیوا لینگام، نقش برجسته در فرم استوفه ای از سنگ دوره کوپتا قرن پنجم میلادی.

«مفیدترین موهبت های شیوا توزیع هفت رود مقدس است: رود گنگ که شهر برهما را در کوه مرو در هیمالیا دور می زند به هیات سیلابی عظیم از کوهها فرو می ریزد. شیوا به منظور کاستن از شدت جریان رود در زیر آبشارهایی که از کوه فرو می ریزند می ایستد و آنها را به هفت شاخه یا هفت رود مقدس هند تقسیم می کند. در پایان هر دوره اساطیری زمانی که هستی سرشار از پلیدی و ناپاکی است، شیوا رقصی ویرانگر را آغاز می کند که از شعله های سوزاننده آن همه چیز نابود گردد. این نابودی، زمینه را برای ظهور دوباره هستی در بستری پاک مهیا می سازد. شیوا در اینجا به هیات ناتراج^{۳۳} رقص خود را آغاز می کند.» (ایونس، ۱۳۷۳، ص ۷۴) (تصویر ۱۰)

«در این تصویر شیوا در حال رقص نابودی در آخرالزمان است او با حرکتی موزون بر تختی از نیلوفر آبی ایستاده در حالیکه یک اهریمن را که سر آن به طور کامل مشخص است در زیر پایش لگدکوب شده است که مظهر شکست قوای اهریمنی در مقابل نیروی یزدانی است. شیوا چهار

خوبیده است و سه گردنبند خدایی بر گردن دارد که یکی از آنها از کنار او تا روی زانوهای آمده است (به صورت مار) کلاهی بلند و مریح بر سر دارد و در گوشواره نیلوفر آبی بزرگ با آویزه های بلند بر گوش، مار شش با ۷ سر خود چتری حفاظتی بر روی سر ویشنو کشیده است و بدن شش با سه صورت و ۹ قطعه بزرگ و برجسته در زیر اندام آرمیده او نقش شده است. در زیر آن ۷ تصویر از خدایان کوتوله زن و مرد است که هر یک با آرایش خاص تقووسی بر سر و مویشان دارند با گوشواره و گردنبند و بازوبند و پوششی یا کمربندی تاپیده و ماری شکل بر پایش تنه آنها به صورت آویخته نقش شده است. در قسمت بالای تصویر کنار پای ویشنو سه تصویر کوچک تر دو تا زن و یک مرد با همان خصوصیات تصاویر پایین نقش شده است و زنی که بر پای او قرار دارد همسرش لکشمی است و در بالاترین قسمت تصویر نیز ۶ اننام نشسته از خدایان نقش شده است.» (x)

ایزار ویشنو

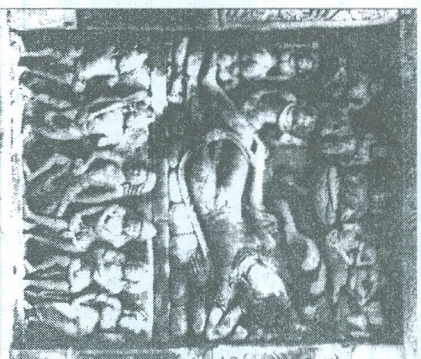
«ایشایی که در دستان ویشنو قرار دارد سمبل یک یا چند صفت معبود است. این اشیا عبارتند از: صدف، چرخ، کمان و گرز که گل نیلوفر هم به این مجموعه اضافه می شود. در شمالیهای مختلف، گاه ایزار و سلاحهای دیگری نیز در دست ویشنو دیده می شود.

گل نیلوفر آبی در شبه قاره از تقدس خاصی برخوردار است. آب منشاء و میباه حیات است و سمبل اقیانوس اولیای است که پراکتی از آن نتیجه شده است. ریشه نیلوفر در کف آب قرار دارد و از قعر همین بی شکلی، گلی زیبا با کاسبرگهایی منظم و متعدد در سطح آب می روید، گل نیلوفر سمبل جهان است و لایه هلی متعدد گلبرگهای آن نمایانگر ادوار مختلف جهانی و مقاطع و مراتب گوناگون هستی است. هشت گلبرگ نیلوفر نشانه ی هشت جهت وجود است که پس از خلقت از قعر آبهای اولیه ظهور کردند. هشت جهت مورد بحث عبارتند از: راست، چپ، جلو، عقب، بالا، پایین، برون و درون. ظهور نیلوفر از آبهای اولیه که عاری از هر گونه آلودگی است؛ نشانه خلوص،

قابل نیل به مرتبه وجودی نیست. مهم ترین کار ویشنو در ولها طی کردن سه گام یا مرحله مشهور است که با آن هفت جهان را می نوردد و آن را اندازه می گیرد. (به تصویر شماره ۴ مراجعه شود)

تصویر ویشنو

ویشنو در تصاویر و شمالیها عموماً در دو حالت دیده می شود. یکی حالت ایستاده که ویشنو را با چهار دست نشان می دهد و دیگری حالت خواب؛ ویشنو همواره بیدار است، چون عامل اتکاء جهان و اتصال اجزاء وجود است. اگر لحظه ای غفلت کند و به خواب رود، عالم از هستی ساقط خواهد شد. در انتهای هر دو دوره جهانی زمانی که غضب شیوا خدای نابودی جهان را به ورطه نیستی می کشاند، ویشنو بر جسم نرم و بیخ در بیخ ماری به نام شش می آرمد. این مار غول پیکر را آتانیام نیز می نامند، هنگام آرمیدن ویشنو بر شش زمانی است که او از محافظت از پدیده ها باز ایستاده و لذا جهان در برده ی نیستی پنهان گشته است.» (ذکرگو، ۱۳۳۲، ص ۷۹) (تصویر ۱۱)



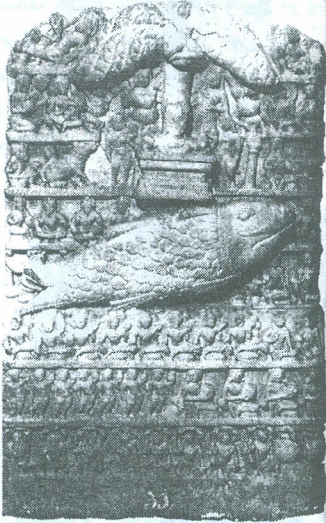
تصویر ۱۱: ویشنو آرمیده و تقووس برجسته ی صیدل بوتال دوکر (Deogiri) هند بر روی کفن هم میمالدی

«در این تصویر پیکره سگی ویشنو آرمیده بر جسم بی پایان شش در پایان یک دوره اساطیری است، ویشنو دارای چهار بازو که یکی را از زیر سر و دیگری تکیه گاه آن و یکی را بر پاها و آخرین را بر یک سر شش قرار داده است در دستها بازو بند و معج بندهای نقش شده است. چهره او آرام و

حقیقت و راستی است. در این عصر قوانین الهی - اخلاقی دارما، به طور تمام و کمال در تار و پود جهان و اعمال و رفتار انسانها جاری هستند حدود ۱۷۲۸۰۰ سال برآورد گردیده است. اوتارهای عصر اول (عصر زرین):

۱- اولین اوتار این عصر ماهی^{۳۷} است. (ذکرگو، ۱۳۷۷، ص ۱۰۶) (تصویر ۱۲)

«در این نقش برجسته اولین تجلی ویشنو به صورت ماهی (مانتسیا) بر سنگ حک شده است؛ این تصویر پر از نقوش انسانی، حیوانی و گیاهی است که این نقش بیانگر روایت اولین تجلی ویشنو در زمین برای نجات موجودات از طوفان و سیلی ویرانگر است (مانند داستان حضرت نوح).



تصویر ۱۲: ماهی، اولین اوتار ویشنو، هند مرکزی، سنگ قرن نهم میلادی.

تصویر ماهی در مرکز کادر با جثه ای بزرگ و نقوشی از پولک، سری بزرگ با خط دهان، چشم و شاخک دیده می شود. در بالای سر او ستونی که منو^{۳۸} از سینه به بالا نقش شده است و بعد از ماهی بزرگترین عنصر نقش شده در این صحنه می باشد؛ که سکان کشتی نجات را در دست دارد. کشتی هفت طبقه با هفت ردیف دارد که ماهی در وسط آن نقش شده است. سه طبقه در زیر ماهی است و پایینترین ردیف هشت انسان نشسته که

پاکی و نیروی بالقوه ستوه است که از درون آن قوه مقدس حیات pharna و همچنین گلبرگهای دانش و معرفت ظهور می کند. حلقه موی عشق: بر روی سینه چپ ویشنو حلقه مویی است به نام Sri-vatsa این حلقه مو به رنگ طلایی است و نشان عشق بی پایان و اتحاد جاودانی ویشنو با همسرش شری (لکشمی) است. این حلقه مو سمبل همه انواع عشق و مظهر جهان طبیعی است. اگر خدایان هند رنگ آبی یا به تعبیر بسیاری از پیروان این دین، رنگ مهتابی دارند. لفظ Nila در زبان سانسکریت به معنای آبی است و رنگ خداوند به رنگ جاودانگی آبی نیلوفری است.

حریر زرد و ریسمان مقدسی

ویشنو و تجلیاتش همواره با حریر زردی که به دور کمر و کفل دارد و آن را Pitambara می نامند در تمثالها ظاهر می شوند. این حریر زرد سمبل قوانین الهی مندرج در وادهاها است که تنها از طریق آن می توان به حقایق الهی پی برد همانگونه که حقایق الهی از لابلای خطوط مقدس وادها می درخشند و جلوه می کنند جسم سیاه رنگ ویشنو نیز از پس این حریر طلایی رنگ است که به مرحله ظهور تنزل می یابد. ریسمان تقدسی که به سینه و شانه ویشنو چون بند حمایل آویخته شد مرکب از سه تار است که نشان سه حرف مقدس AUM می باشد. (ذکرگو؛ ۱۳۷۷، ص ۹۵-۹۱)

تجلیات ویشنو

«ویشنو که یکی از برترین خدایان تثلیث هندو می باشد برای او ده اوتار یا ده تجلی را قایل شده اند. ویشنو نیز برای حفظ نظامی که وظیفه پاسداری از آن را به عهده دارد، گاه و بیگاه در قالب یک اوتار نازل می شود و به منظور حفاظت از زمین، پارسایان، حفظ متون دینی و حمایت از حق و راستی، جسم دنیوی اختیار می کند بر اساس علم الاساطیر هندو، جهان از ادوار بیشمارگی تشکیل شده است و هر دوره به ۴ عصر: ساتیایوگا، ترتیایوگا، دوپاریوگا و کالی یوگا تقسیم می شود.

- عصر اول ساتیایوگا^{۳۵} یا کرتیایوگا^{۳۶} معروف است و آن را عصر طلایی دانسته اند همان عصر

منو درختی است که برگ و شاخه های آن (درخت روشن شدگی) و یک فیگور انسانی فرشته مانند را دربر گرفته اند.» (x)



تصویر ۱۵: ویشنو، قسمتی از نقش برجسته تصویر ۱۲ (ذکرگو، ۱۳۷۷ ص ۸۱) روی شاخه و برگ ها ویشنو آمده بر مار ششا که از نafش گل نیلوفر روئیده است.

«۲- کورما^{۳۶} یا لاک پشت که دومین اوتار ویشنو در عصر طلایی است.

۳- واراها^{۳۷} یا گراز سومین اوتار ویشنو در عصر طلایی است.

۴- اوتار چهارم ویشنو، انسان شیر^{۳۸} است.

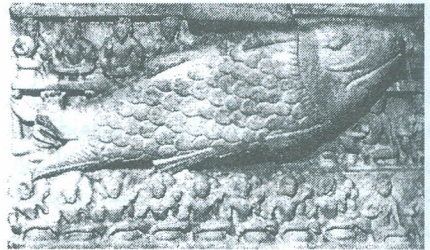
- عصر دوم اساطیری ترتایوگا^{۳۹} نام دارد. کمال هر چیز در وجه مذهبی آن به رقم چهار یا به عبارتی ۴/۴ تشبیه می شود. در ترتایوگا درصد اجرایی این قوانین و به تعبیری وجه عبودیت مخلوقات به ۳/۴ تقلیل می یابد.

در این عهد کالبد جهانی وجود جامعه ۱/۴ حیات حقیقی خود را از دست داده است. طول این عصر را ۳ برابر آخرین عصر (کالی یوگا) یعنی معادل ۱۲۹۶۰۰۰ سال برآورد کرده اند.» (ذکرگو، ۱۳۷۷؛ ص ۱۱۶)

۵- وامنا^{۴۰}: «کوتوله تجلی پنجم ویشنو است. بعضی ها لفظ Trita را مربوط به سه گام و امنا دانسته اند که طی آن تمام عالم و ماوراء آن را زیر ۳ گام خود قرار می دهد.» (تصویر ۱۶) (ذکرگو، ۱۳۷۸، ص ۱۱۶)

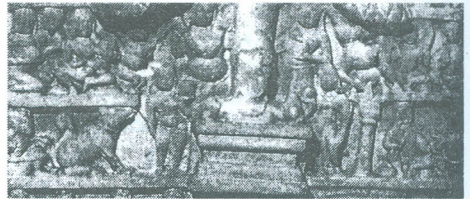
«در این تصویر رشد وامنای کوتوله به موجودی عظیم الجثه نشان داده شده است. در زیر پای او نقوشی از پنج انسان به صورت کوچک تراشیده شده است. (اندام) این شمایل بنابر زیبایی شناسی هندی با خطوط نرم و مدور به صورت و سینه و شکم گوشتالود برجسته کار شده است.» (x)

کلاهی گل مانند یا چتری بر سر دارند که دست راست خود را بالا گرفته اند و در گوشه چپ آنها دو ظرف (خمره) بزرگ نقش شده است. در ردیف بعدی هفت انسان کوتوله به صورت برهنه و یکسان ایستاده و در دست چپ هر یک ظرف چهارزانو که در سمت چپ خود با دو دست ظرفی را نگه داشته اند. در ردیف سوم ۱۰ نقش از انسان که چهار زانو بر تخت نشسته اند و پشت سر آنها گل نیلوفر چند پر بزرگ قرار دارد و در طرفین ردیف های چهارم و پنجم که با ماهی پوشیده شده در اطراف آن نیز فیگور انسان نشسته دیده می شود.» (x) (تصویر ۱۳)



تصویر ۱۳: ماتسیه قسمتی از نقش برجسته تصویر ۱۲

«در این اثر زیبا، عظمت ماتسیا در رابطه با داستان زیبایی نجات آفرینش (داستان منو و ماتسیا) به خوبی به نمایش در آمده است.» (x) (تصویر ۱۴)



تصویر ۱۴: منو، قسمتی از نقش برجسته تصویر ۱۲

«در مرکز ردیف های ششم و هفتم، منو قرار دارد که بر درون یا پشت پایه ستونی پنج ردیفه قرار گرفته است و در طرفین او دو فیگور زن ایستاده به صورت قرینه قرار دارد و در بالا دو خادم درشت هیكل قرار گرفته اند، در ردیف ششم سمت راست منو یک گاو نشسته و یک اندام انسانی نیز دیده می شود. در ردیف هفتم در بین نقشها، سمت راست منو یک مادر در حال شیردادن کودکی است که بر پایش قرار دارد، در بالای ردیف پشت سر

شخصتی آرام، معنوی و متعالی به خود می گیرد و در قالب بودیسا توا ۴۸متجلی می شود.

۸- هشتمین تجلی ویشنو کریشنا تنها اوتار یا تجلی ویشنو در عصر سوم اساطیری ۴۹ که به عنوان تجلی هشتم شناخته می شود. کریشنا مظهر عشق و خوشبختی و نابود کننده رنج و اندوه است. کریشنا بانی مذهب عشق و محبت پر جذبه و التهاب، و مروج آیین عبادت عرفانی است. نوایی که از فلوت کریشنا خارج می شود، آوایی سحر آمیز است که شور عشق را در قلب دختران گاوپان دیار براج به غلیان می آورد.

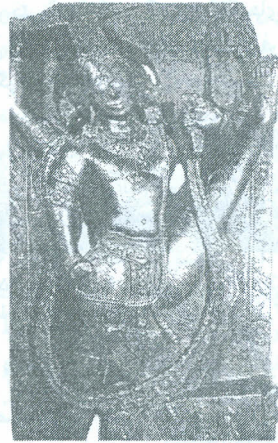
۹- نهمین اوتار یا تجلی ویشنو بودا می باشد که تأثیر عمیق و همه جانبه ای در طی بیش از ۸ قرن بر هنر هند داشت.

۱۰- دهمین تجلی ویشنو کالکی ۵۱: پس از ظهور بودا تا زمان حاضر اوتاری ظهور نکرده و اعتقاد بر این است که در انتها «کالی یوگا» که همان آخرالزمان است، آخرین اوتار تجلی خواهد نمود. در انتهای این زمان که زمین پر از شر و فساد خواهد شد و تباهی و ضلالت به منتهای اوج خود خواهد رسید، کالکی برای پایان دادن به تباهی و فساد، و سزا دادن به منحرفین و شرور ظهور خواهد کرد.» (ذکرگو، ۱۳۷۳، ص ۱۲۰-۱۱۸)

نتیجه گیری

هنر هند باستان بر پایه نظامهای مذهبی و انواع کیشهای طبیعت پرستی شکل گرفته است و در این خصوص همواره جنبه های زمینی و ملکوتی و ماورایی با یکدیگر آمیخته شده به طوریکه خدایان به صورت انسانی به زمین فرود آمده و به صورت اساطیر در هنر هند باستان نمایان می شوند. موارد ذیل را به عنوان ویژگی هنر هند باستان می توان نام برد.

- آثار هنری قبل از آریایی بر مهرهای سنگی و تندیس های سنگی و سفالی دیده می شود.



تصویر ۱۶: تجلی پنجم ویشنو، سه گام و امانا. سنگ بزالت از هند شرقی، قرن دهم میلادی.

۶- «رام ۴۴ تیر به دست تجلی ششم ویشنو است. پاراشوراما از یک پدر برهمن به نام جاماداگنی ۴۵ و مادری از طبقه کشاتریا به نام رنوکا ۴۶ متولد شد وی پنجمین پسر خانواده و غیورترین آنها بود. قیام سلحشوران علیه برهمنها، پاراشوراما را بسیار آزرده ساخته بود. چندی نگذشت که پدرش جاماداگنی به دست پادشاه کارتاویرا از طبقه کشاتریا به قتل رسید و قشر سلحشوران قدرت را به دست گرفته اند. پاراشوراما بر علیه آنها شورید و با قوای الهی خود تمام مردهای طبقه کشاتریا را از دم تیغ گذراند. در این نبرد خونهای بسیار ریخته شد. بر اساس مهابهارات، پاراشوراما، ۲۱ بار زمین را از وجود کشاتریاها پاک ساخت و با خون آنان پنج دریاچه سامانتا را لبریز ساخت.

۷- هفتمین تجلی ویشنو رام ۴۷ یا رامچندر که آخرین اوتار عصر دوم اساطیری است به منظور برقراری حق و عدالت و بازسازی ارزشهای از دست رفته عصر زرین ظهور کرد. وی را سمبل عدالت، تقوی و زیبایی دانسته اند. رام از شخصیت های محبوب علم الاساطیر هند است. او قهرمان اول کتاب مقدس و حماسی رامایانا بوده و شخصیتی است مربوط به کل شبه قاره و لذا در مکاتب غیر متشرعی چون بودیزم و مکتب جینیزم نیز نقش دارد. در متون بودایی، رام جنگنجو

Surya-۲۰	Cosmic law-۱۹
Indra-۲۲	Usas-۲۱
	anthropomorphique-۲۳
	sahar raksha-۲۴
Agni-۲۶	Airavata-۲۵
siva-۲۸	Rudra-۲۷
	Shiva Bhairava-۲۹
Iswara-۳۱	Mahadeva-۳۰
	Nataraja-۳۲ به معنی سلطان رقص
Ananta بی انتها-۳۴	Kalpa-۳۳
Krita yuga-۳۶	Saty yuga-۳۵
	Matsyah-۳۷
	Manu-۳۸ اولین انسان، گاهی معادل حضرت آدم و نوح است و اولین قانون گذار کره زمین است از عهد ریگ ودا (۱۲۰۰ ق.م) با عنوان ابوالبشر آورده شده است. (ذکرگو: ۱۳۲۳، ص ۱۰۶)
Varaha-۴۰	Kurma-۳۹
Trita yuga-۴۲	Nara Simha-۴۱
Parasurama-۴۴	Vamana-۴۳
Renuka-۴۶	Jamadagni-۴۵
	Rama-۴۷

۴۸- بودیسا تو Bodhisattava لفظی است به زبان پالی که از لحاظ ریشه پالی لنوی (آیپولوژی) از دو بخش Bodhi به معنای اشراق و توپیر و Sattava به معنی وجود دی جات آمده لذا بودیساتوا به معنای کسی است که به مرحله اشراق رسیده و یا فردی که در راه رسیدن به Bodhi طی طریق می کند در این جا مقصود نوع اول رام از دیدگاه بودفیان فردی است که به مرحله لوح اشراق رسیده است.

۴۹- Dvapara yuga

۵۰- به نهمین تجلی ویشنو یعنی بودا در مقاله مجزا با عنوان هنر بودایی پرداخته شده است.

۵۱- kalki

- مواد و مصالح آن از جنس، ماسه سنگ، چوب، مفرغ و گاهی سفال است و هیچ گونه ماده رنگی به کار نرفته است.

- روایات دینی و آیینی و زندگی خدایان موضوع اصلی را شامل می شوند.

- جنبه های نمادین و اسطوره ای در آنها غالب است.

- پویایی و تحرک در آثار نمایان است.

- با وجود مادی و جسمانی بودن از تفکری ماورایی برخوردارند.

- نقوش انسانی - حیوانی، گیاهی و هندسی با ریزه کاری و ظرافت به صورتی واقع گرایانه و طبیعت گرایانه به صورت نمادین استفاده شده است.

- فیگورهای انسانی در عین واقعگرا بودن از ویژگیهای خاص فراواقعی و ماورایی نیز برخوردارند مانند داشتن بیش از دو بازو و دو چشم و یکسر.

- برهنه بودن فیگورهای انسانی.

پی نوشت

x- با توجه به بررسی ها و تجزیه و تحلیل ها توسط مولفین آورده شده است.
۱- Dravidian: مردمان سیاه چرده و دماغ پس که ساکنان اولیه شبه قاره بوده اند.

۲- لینگام که بعدها در آیین هندو و به صورت شیوا لینگام (از تالپیت هند: برهما، ویشنو و شیوا) حتی در دوران متأخر نیز مورد نیایش است. (ذکرگو، ۱۳۲۷، ص ۴)
۳- رامایانا (راماین) کهن ترین اثر حماسی و منظوم سانسکریت شبه قاره است که توسط «والمیکی» به رشته تحریر در آمده است. رام (رامچندر) به عنوان قهرمان اول این کتاب مقدس و حماسی است که تجلی هشتم ویشنو می باشد (ذکرگو، ۱۳۲۷، ص ۱۲۰)

۴- Mahabharata به معنی هند بزرگه بزرگترین حماسه منظوم هندی است که به زبان سانسکریت کلاسیک سروده شده است و در بردارنده کلیه اعتقادات فلسفی و اساطیر هند بعد از دوره ودایی است. ماجراهای آن ترکیبی از اسطوره های هند است که طی قرن ها شکل می گیرد و در بردارنده عناصر ودایی و ترکیبی بر اثر اعتقادات بعدی ویشنویتسم و شیویتسم است (ایونس، ۱۳۲۳)

۵- Regveda

۷- Rta

۹- Varuna

۱۱- Aryaman

۱۲- Trastr

۱۵- Pusan

۱۷- Vivas vat

۶- caste

۸- cosmic order

۱۰- Oranos

۱۲- Daksa

۱۴- Savitr

۱۶- sakra

۱۸- Visnu

فهرست منابع

- ایونس، پروینکا شناخت اساطیر هند ترجمه جلال فرخی، تهران، چاپ گلشن، ۱۳۲۳.
- بی، ناس، جان، تاریخ جمع ادیان؛ ترجمه علی اصغر حکمت ویراستر پرویز اتلیکی، تهران (چاپ هفتم، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰).
- جنسن، مو، تاریخ هنر، ترجمه پرویز مرزبان، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، (در بخش پایان، گفتار پیوستگی میان خاور و باختر ص ۵۵۱) ۱۳۵۹.
- حکمت علی اصغر، سرزمین هند (بررسی تاریخی و اجتماعی و سیاسی و ادبی هندوستان از ادوار باستانی تا عصر حاضر، انتشارات دانشگاه تهران، (بی تا))
- دورانت، جیمز ویلیام، تاریخ تمدن، مشرق زمین گاهواره تمدن، ترجمه مهرداد مهرین، محمد حسین اقبال و شرکاء، با همکاری فرانکلین، ۱۳۳۷.
- ذکرگو، امیر حسین، اسرار اساطیر هند؛ تهران، انتشارات فکر روز، ۱۳۲۷.
- گاردنر، هلن، هنر در گذر زمان؛ به تجدید نظر هورست دلاکروا و ریچارد ج. تسی، ترجمه محمد تقی فرامرزی، تهران (چاپ دوم)، انتشارات نگاه (هنر هند)، ۱۳۷۰.
- panda, Rajaram ((Ajanta and Ellora caves of Ancient India)): Mihal publica tions, New Delhi.